

بسم الله الرحمن الرحيم

حجت الاسلام والمسلمین عباسی

بسم الله الرحمن الرحيم، الحمد لله رب العالمين، انه خير ناصر و معين، صل الله على محمد و آله الطاهرين، اللهم صل على محمد و آل محمد.

من به دوستان روحانی می گویم آقا مردم را شرطی بار آوردید، در خطبه ابتدایی صحبت‌هایمان اگر این میانه اسم نازنین و مبارک و نورانی حضرت را بکشیم مردم صلوات درست و حسابی می فرستند، اما اگر نکشیم نه، و صل الله محمد و آله الطاهرين، و لعنه الله على اعدائهم اجمعين، به معنای حقیقی کلمه اش خوشحالم در جمع دوستان هیأتی حضور دارم، بنده بدون هیچ مبالغه و بدون هیچ تعارفی خدمت همه شما عرض می کنم با تک تک سلولهای بدنم معتقد هستم هیأت امروز خط مقدم جبهه فرهنگی است، این جمله را در ابتدا خدمتتان عرض کردم برای اینکه اگر در میانه و انتهای صحبت‌هایم گلایه هایی را مطرح کردم کسی از این گلایه ها سوء برداشت نکند، باور کنید بدون هیچ تعارفی خدمتتان عرض می کنم که من به آبروی تک تک سینه زندهای امام حسین علیه السلام از خدا می خواهم من را در قیامت نه در جمع مؤلفین نه در جمع کارشناسان، که در جمع سینه زنها و روضه خوانهای امام حسین علیه السلام مشهور کند و این منتهای آرزوی من است، اما گلایه دارم از هیأتی ها، صحبت امروز بنده را هم اصلاً عنوان سخنرانی به آن ندهید، یک درد دل دوستانه است با بچه هایی که شب و روزشان را با عشق امام حسین علیه السلام و اهل بیت علیهم السلام طی می کنند، اما این گلایه دوستانه من، این درد دل دوستانه من با این مقدمه شروع می شود، ما در سال نود تقریباً شاهد اولین موضعگیری مقام رهبری آن هم به صورت صریح درباره جمعیت بودیم، سال نود و یک ادامه پیدا کرد، در سال نود و دو اوج گرفت، ایشان در جمعهای مختلف چهار بار در جمع مسئولین، این چهار بار سه بارش در جمع کل مسئولین نظام در ضیافت افطاری که ماههای مبارک رمضان ایشان دارند این مسأله را مطرح کردند، بار آخر در جمع اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، بحث جمعیت را، من بسیاری از این قطعه ها را جمع کردم دادم خدمت دوستان یک جایی مهیا باشد بگویند که از زبان خود مقام معظم رهبری این بحث ها را شما بشنوید، ایشان یک بحثی مطرح کردند تحت عنوان پیری جمعیت و تأکیدی که روی باقی ماندن نمای جوانی کشور داشتند، اسم کتاب ما هم برگرفته از صحبت‌های ایشان است که ایشان تأکید دارند ایران باید جوان بماند، ما هم اسمش را گذاشتیم ایران جوان بمان، خوب تعابیر تعابیر مختلفی بود در سخنرانی ها، وقتی این بحث مطرح شد یک فضایی در جامعه داشت ایجاد می شد در جامعه تحت عنوان کی بود کی بود، کی باعث این شد، کی مشکل بحران جمعیت را

تولید کرد، کی باید جلویش را می گرفت، کی باید... ایشان در جمع مردم خراسان شمالی کاملاً متواضعانه بنده به عنوان کسی که در این مسأله هم تحقیقات فراوانی کردم هم با مسئولین این مسأله صحبت کردم، همینجا شهادت می دهم که در مسأله جمعیت و رسیدن آن به بحرانی که حالا من درباره اش یک مقدار شاید صحبت کنم کسانی مؤثر بودند که شاید یک بار هم الان عذرخواهی نکردند، کسانی کوتاهی کردند که حتی یکبار در یک روزنامه دست چندم نیامدند بگویند ما اشتباه کردیم، ولی مقام معظم رهبری با ایثار تقصیر این مسأله را به گردن گرفتند و خودشان را به عنوان یکی از مقصران این مسأله معرفی کردند در جمع مردم خراسان شمالی و برداشت شخصی بنده این است که این فضای کی بود کی بود در جامعه داشت اصل مسأله را تحت الشعاع قرار می داد، رسید به نوزدهم آذرماه سال نود و دو در جمع اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی که آخرین قطعه ای که شما در صحبتهای ایشان خواهید شنید که به معنای حقیقی کلمه اوج خطر را ایشان مطرح کردند. من همین اندازه فعلاً بسنده می کنم، دوست دارم همه با همدیگر سراپا گوش بشویم، جملات مقام معظم رهبری را از سال نود تا نود و دو یعنی تا نوزده آذر ماه سال نود و دو در جمع اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی را با هم بشنویم، بعد تازه گلایه ها و درد دلهای من شروع می شود، یک صلوات بفرستید. اللهم صل علی محمد و آل محمد.

صحبتهای مقام معظم رهبری:

{من معتقدم کشور ما با امکاناتی که دارد می تواند صد و پنجاه میلیون جمعیت داشته باشد، من معتقد به کثرت جمعیت هستم، هر اقدامی تبلیغی که می خواهد برای متوقف کردن رشد جمعیت انجام بگیرد بعد از صد و پنجاه میلیون انجام بگیرد، ما در سال هفتاد و یک به همان مقاصدی که از تهدید نسل وجود داشت رسیدیم، بعد از سال هفتاد و یک به این طرف باید سیاست را تغییر می دادیم، خطا کردیم تغییر ندادیم، امروز باید این خطا را جبران کنیم، کشور باید نگذارد که غلبه نسل جوان بر نمای زیبای جوانی در کشور از بین برود و از بین خواهد رفت، این سیاست تهدید نسل حتماً بایستی تجدید نظر شود و کار درستی باید انجام بگیرد، می خواهم عرض بکنم همه مسئولین کشور، نه فقط مسئولین اداری، روحانیون، کسانی که منبرهای تبلیغی دارند باید این فرهنگ سازی را بکنند در جامعه از این حالتی که امروز وجود دارد یک بچه دو بچه باید خارج کنند کشور را، همانطور که یک وقتی امام فرمودند عدد صد و پنجاه میلیون و دویست میلیون را اول امام گفتند، و درست هم هست، بایستی ما برسیم به آن رقم ها...}

{یکی از خطاهایی که خود ما کردیم، بنده خودم هم در این خطا سهیم هستم، این مسأله تهدید نسل از اواسط دهه هفتاد به این طرف باید متوقف می شد، اول البته خوب بود، اولی که سیاست تهدید نسل اتخاذ شد لازم بود، لکن از اواسط دهه هفتاد باید متوقف می شد، این را متوقف نکردیم، این اشتباه بود، عرض کردم مسئولین کشور در این اشتباه سهیم هستند، خانواده ها، جوانها بایستی تولید مثل را زیاد کنند، نسل

را افزایش بدهند، محدود کردن فرزندان در خانه ها به این شکلی که امروز هست این خطاست، حرف زاد و ولد در جامعه چیست، اشاره کردم یک تصمیم زمان دار و نیاز به زمان و مقطعی را انتخاب کردیم، گرفتیم، بعد زمانش یادمان رفت، به شما بگویند آقا این شیر آب را فرض کنید اینجا باز کنید یک ساعت، بعد شما شیر را باز کنی و بروی، ماها رفتیم غافل شدیم، ده سال پانزده سال، بعد حالا به ما گزارش می دهند که جامعه ما در آینده نه چندان دوری جامعه پیر خواهد شد، این چهره جوانی که امروز جامعه دارد جامعه ایرانی دارد از آن گرفته خواهد داشت، چون نسل جوان خیلی قیمت دارد.}

{من اینجا باز مطلبی را که پارسال ماه رمضان همینجا گفتم و خوب مختصری دنبال شد، نه به صورت کامل، مسأله تهدید نسل برای کشور ما خطر است، من به شما عرض کنم، محدود کردن نسل برای کشور ما یک خطر بزرگی است، آن مقداری که تا حالا پیش آمده ما در منطقه خطر موارد زیادی پیش رفتیم، باید برگردیم، می توانستیم این کار را جلوی پیش را بگیریم، نگرفتیم، کشور با این وضعی که وجود دارد آنچه که متخصصین، کارشناسان، با نگاههای علمی، با دقت علمی بررسی کردند ما را به این نتیجه می رساند که با این روند کنونی کشور دچار مشکل فراوان در آینده خواهد شد، دچار پیری عمومی کشور خواهد شد، این تهدید نسل چیز بدی است، البته شنیدم در مجلس طرحی در حال بررسی است، منتهی آنطور که برای ما نقل می کردند این طرح جواب نمی دهد، این مقداری که در این طرح دیده شده است این جوابگو نیست، مسئولین و علاقمندان و آشنایان با مقتضیات این کار در مجلس بایستی توجه بکنند و درست انجام بدهند.}

{یکی از خطراتی که وقتی انسان درست در عمقش فکر می کند تن انسان می لرزد مسأله جمعیت است، مسأله جمعیت را جدی بگیرید، جمعیت جوان کشور دارد کاهش پیدا می کند، یک جایی خواهیم رسید که دیگر قابل علاج نیست، دیگر مسأله جمعیت از آن مسائل نیست که بگوییم حالا ده سال دیگر فکر می کنیم، نه، اگر چند سال بگذرد دیگر قابل علاج نیست.}

ادامه صحبت‌های آقای عباسی

یک مباحث کاملاً تئوری و تاریخی درباره جمعیت وجود دارد که پشت صحنه حرفهای مقام معظم رهبری را نشان می دهد. ببینید ما در سال شصت و هفت در آن برنامه اول توسعه ای که نوشته شد و تقریباً از سال شصت و هشت شروع به اجرا شد در بند ج آن برنامه بر اساس نظراتی که بعضی از مسئولین آن موقع جامعه داشتند بحث سیاستهای تهدید و محدود کردن فرزندآوری را مطرح کردیم، در آنجا بر اساس نرخ باروری در سال شصت و پنج گفته شد که الان به ازای هر زن در سن باروری ما شش ممیز چهاردهم فرزند داریم، ولی باید جوری برنامه ریزی کنیم که در سال هزار و سیصد و نود به ازای هر زن در سن باروری برسیم به چهار فرزند، شروع شد به کارهای تبلیغی، من خواهش می کنم این سیر تاریخی که می گویم خیلی دقت کنید،

ما این بحث که در برنامه اول توسعه آغاز شد تبلیغاتی هم شروع شد، دقت کنید شصت هفت گفتیم در سال نود به ازای هر زن در سن باروری برسیم به چهار فرزند، کارهای تبلیغی که شروع شد در سال هفتاد و یک یعنی چهار سال بعد از برنامه، شاید هم یک مقدار کمتر رسیدیم به ازای هر زن در سن باروری چهار فرزند، یعنی چیزی در حدود نوزده سال زودتر از زمانی که تعریف کرده بودیم به مقصد رسیدیم، آقا فرمودند چی؟ سال هفتاد و یک رسیدیم و باید بعدش متوقف می شد، و نشد، این اشتباه ما بود، خوب در سال هفتاد و دو تازه مجلس دارد تصویب قانون می کند بر اساس برنامه توسعه در برنامه توسعه می گویند به ازای هر زن در سن باروری چهار تا، در مجلس تصویب می شود هر زن سه تا، بعد تبلیغات که شروع می شود در تبلیغات می رسیم به چی؟ دو تا بچه کافی است، دقت کنید، برنامه چهار تا، قانون سه تا، تبلیغات دو تا، نتیجه، ما در سال هفتاد و نه، یعنی یازده سال زودتر از برنامه رسیدیم به نرخ دو و یک دهم به ازای هر زن در سن باروری، در کل دنیا همه جمعیت شناس ها می گویند وقتی رشد جمعیت می خواهد یک آهنگی متعادلی داشته باشد نباید کمتر از دو و یک بشود، اگر کمتر از دو و یک بشود به ازای هر زن در سن باروری، در دراز مدت جامعه دچار کاهش جمعیت می شود که کاهش جمعیت هم در کل دنیا یک بحران است، الان کشورهای اروپایی با بیشترین امکاناتی که دارند نروژ سوئد سوئیس، واقعا دچار مشکلات جدی هستند که من درباره اش صحبت نمی کنم چون در کتاب آمده و ظاهرا کتاب را به همه شما خواهند داد، ما از سال هفتاد و نه یعنی یازده سال زودتر رسیدیم به نتیجه دو و یک دهم که مرز خطر بود، اما نه تبلیغاتمان متوقف شد و نه کاهش نرخ باروری متوقف شد تا در سال هزار و سیصد و نود رسیدیم به یک ممیز شش، و کماکان تقریبا این ادامه دارد، طبق برآوردها ما افزایش جمعیتمان تقریبا تا سال هزار و چهارصد و بیست ادامه خواهد کرد، ولی از آن موقع آرام آرام شروع می کند به کاهش جمعیت، به گونه ای که در سال هزار و چهارصد هشتاد جمعیت کشور ما می شود سی و یک میلیون که چیزی در حدود چهل و هفت درصد یعنی پانزده میلیون این سی و یک میلیون پیر هستند، بالای شصت سال، دقت کنید تعبیری که مقام معظم رهبری به کار بردند این بود، خدا و تاریخ باید بر ما ببخشد، باید بر ما ببخشد، اینکه یک جامعه ای وقتی سالمند می شود چه اتفاقی می افتد، مقام معظم رهبری هم تأکید کردند باز درباره خطرات سالمندی بحث مفصل است، من سعی کردم در کتاب چیز ناگفته ای نگذارم در این زمینه، ولی همینقدر به شما بگویم مشکلات اقتصادی بحث سالمندی یک جامعه به قدری شدید است که جوامعی مثل سوئد که در اروپا جزء پیش قراولان تمدن و پیشرفت و تکنولوژی و مدرنیته هستند برای اینکه به آسیبهای سالمندی کمتر مبتلا شوند الان مجبور شدند مهاجر بپذیرند و چیزی در حدود پانزده درصد جمعیت سوئد مهاجر است، در بحث سالمندی یکی از اصلی ترین نکته هایی که جامعه را تهدید می کند بحث امنیت ملی است، اینکه برژینسکی الان به گروه مذاکره کننده می گوید شما همینجوری هی مذاکرات را به تأخیر بیندازید هی دست انداز تولید بکنید، نروژ یک دو سه، نمی دانم چی چی، ببخشید ژنو یک دو سه چهار پنج،

هی بیاید قبول کنید، قبول نکنید، پس بزنیم، با دست پس بزنید، با پا پیش بکشید می گوید این کار را بکنید به خاطر اینکه جمعیت ایران کار ایران را خواهد ساخت، ما در سال هزار و چهارصد و بیست می رسیم به مرحله فوق سالمندی، هزار چهارصد و بیست یعنی بیشت و هشت سال آینده، جمعیت هشتاد نود میلیونی ما چیزی در حدود بیست میلیونش سالمند است، و در کل دنیا وقتی بالای بیست بیست و یک درصد جمعیت یک کشوری سالمند می شود می گویند این رسیده به مرحله انفجار سالمندی، در خوش بینانه ترین پیش بینی ها در سال هزار و چهار صد و بیست که انشاءالله با عمر طبیعی خیلی از ما آن را درک خواهیم کرد سه پیش بینی برای ما انجام گرفته است، در هر سه پیش بینی جمعیت سالمند ما بالای هجده نوزده درصد است، همه اش در مرز است، و در یکی از پیش بینی ها بیست و دو درصد است، واقع بینانه ترین پیش بینی بر اساس نرخ باروری های موجود آن بیست و دو درصد است، که ما به مرحله فوق سالمندی می رسیم و به شدت آسیب پذیر می شویم، بیست و هشت سال دیگر، ما در بحث جمعیت یک مشکل بزرگ داریم، و آن اینکه مردم مشکلات امروزشان را مبنا قرار دادند برای تصمیم گیری آینده، تا به مردم می گویی بچه بیشتر می گوید چی؟ مگر وضعیت اقتصادی مملکت را نمی بینی؟ من در یکی اش هم مانده ام، در دوتایش هم مانده ام، تو برای بچه من کار درست کن، تو الان کار بچه من که با فوق لیسانس دارد دنبال کار می گردد مانی، در حالی که ما در حدود بیست سال آینده بیست و پنج سال آینده با این روندی که داریم پیش می رویم به راحتی مواجه هستیم با مشکل نیروی کار، و باید مهاجران را دعوت کنیم به جامعه مان، کاری که کانادا دارد می کند، کاری که سوئد می کند، کاری که بسیاری از کشورهای اروپایی دارند می کنند، یعنی گفتم سکوت محض، یعنی این سکوت محض این محضش را توجه بکنید، چون بحث من از اینجا تازه دارد شروع می شود، من اصلا کاری ندارم به اینکه چه اتفاقی می افتد، بحثم را در این وادی تمام می کنم، فقط خواستم به شما بگویم این پشت صحنه صحبت های مقام معظم رهبری که می گویند سال هفتاد و یک باید متوقف می شد اگر متوقف نشود چه اتفاقی می افتد که قابل جبران نیست، من همینقدر به شما بگویم در خوش بینانه ترین حالت زنان امروز، بنده در کتاب اثبات کردم، زنان امروز اگر چهار تا بچه بیاورند شاید ما مشکلمان را بتوانیم یک مقدار به تأخیر بیندازیم، اما اگر زنان امروز این را قبول نکردند، خانواده های امروز این را قبول نکردند، ما در آینده یعنی نسل بعد هر زن باید هشت بچه بیاورد تا مشکلمان را حل بکنیم، و به هیچ وجه این امکان ندارد، مقام معظم رهبری تصریح کردند که در هیچ کجا این مشکل حل نشده به این مرحله که رسیده است، در جامعه ما هم حل نخواهد شد، خوب، ببینید من اصلا می گویم هیچکدام از این دلائل وجود ندارد، من در جمع بچه هیأتی ها دارم حرف می زنم، من حالا مسافرت های تبلیغی ام به شدت کم شده است، سر همین کارهای تحقیقی پژوهشی ولی در بسیاری از هیأت های شما وقتی من رفته ام یک عکسی از مقام معظم رهبری بوده است، بسیاری از شما این عکس را گذاشتید که ایشان اینجوری اشاره کردند و زیرش هم نوشتند از تو به یک اشارت از ما به سر دویدن، من

امروز معتقد هستم بچه های حزب الهی دچار یک ابتلای شدید شدند، و به شدت معتقد هستم از زمانی که مقام معظم رهبری این ردای ولایت را بر تن کردند تا امروز بچه حزب الهی ها یک چنین امتحانی نشده بودند، کدامیک از حرفهای مقام معظم رهبری خلاف آن ذهنیتها و دیدگاههای ما بوده است؟ کجا وقتی ایشان گفتند مثلاً بیایید روز قدس را گرم کنید، تنور بیست و دو بهمن گرم شود، در انتخابات وارد شوید، کجا؟ چند نفر از شما می توانید بگویید که تا به حال یک امتحانی شدید در این بیست و اندی سالی که ایشان رهبر شدند که دستوری دادند خلاف نظر ما، و خلاف میل ما و ما آنجا امتحان ولایتمداری مان را پس دادیم؟ امروز ایشان دستوری دادند خلاف سبک زندگی بسیار از ماها، خلاف دیدگاه خیلی از ماها، اینجا چشم گفتن تازه معنی پیدا می کند، من چه بدانم که چه دلیلی پشت افزایش جمعیت وجود دارد چه ندانم، چه ایران جوان بمان عباسی را بخوانم و چه نخوانم، چه متقاعد بشوم که باید جمعیت ایران افزایش پیدا کند چه نشوم، من می گویم انسان ولایتمدار وقتی این صحبتها را می شنود و آخرین صحبت که تن انسان می لرزند وقتی به جمعیت فکر می کند انسان ولایتمدار چکار می کند؟ می گوید چرا؟ اصلاً وارد آن بحث نشوید، چرا الان این رخوت و سستی را بین بچه های حزب الهی داریم می بینیم؟ چند تا هیأت وجود دارند که دغدغه اصلی شان را این قرار داده باشند که ما الان باید به بحث مقام معظم رهبری توجه کنیم، وقتی ایشان می گویند که این جمعیت باید افزایش پیدا کند، صد و پنجاه میلیون، دویست میلیون اگر کنترلی هست بعد از آن، فقط چشم، تمام، اصلاً فصل الخطاب بودن یعنی این، بله من اوج تأسف من است که گاهی اوقات با مسئولین این مملکت نشست صحبت کرد و متقاعدشان کرد، وقتی ایشان درباره مجلس صحبت کردند شما هم شنیدید من حالا یک دفاع و یک نقدی به مجلس داشته باشم، یک طرحی در مجلس تصویب شد که نتیجه اش این بود که مادر را برد بفروشد، گفت به چه قیمتی، گفت یک قیمتی می گذارم که هیچکس نخرد آن را، که البته آن طرح برگشت خورد، الان یک طرح دیگری را دوستان مجلس رویش کار کردند که ظاهراً دوستان متعهد ولایتی و مقید به حرف آقا روی آن طرح کار کردند، البته خروجی آن طرح را من هنوز ندیدم نمی توانم درباره اش قضاوت کنم، دوردور می دانم بسیار بسیار بهتر از طرح قبلی است، ما هنوز با بعضی از نماینده های مجلس باید بنشینیم حرف بزنیم، استدلال کنیم برایشان، هنوز هم که هنوز است در بدنه دولت، چه در رأس دولت و چه در بدنه میانی دولت ما با اصل مسأله مشکل داریم، من اینجا می توانم راحت در بین شما صحبت بکنم که چرا رئیس جمهور ما بعد از اینهمه تأکیدی که مقام معظم رهبری روی بحث جمعیت داشتند یک موضعگیری درباره جمعیت من نشنیدم از ایشان، من نشنیدم، نمی دانم کسی شنیده؟ حداقل این است که بحث جمعیتی که تن آقا را می لرزاند باید تبدیل شود به یک دغدغه در مجلس، به گونه ای که اینها در حوزه های کاری خودشان، در سخنرانی های خودشان وقتی به مسائل دست چندی اشاره می کنند که باید بعدش هم بنشینند یک جوری بتونه کاری اش بکنند، ماله بکشند تا درستش کنند این مسأله اول

مملکت ما را حل بکنند، مسأله ای نیست که بشود ده سال بیست سال دیگر حلش کرد، من در اوج تأسف باید بگویم که با بسیاری از مسئولین باید نشست صحبت کرد و متقاعدشان کرد که آقا تلاش کنید، زمان نداریم، اما این را بگذاریم کنار، تأسف بیشتر من این است که من با بچه هیأتی ها باید بنشینم بحث بکنم، من بعضی از این حرفهای مقام معظم رهبری را به بچه هیأتی ها می گویم می گویند ما نشنیدیم اصلاً، این تأسف بیشتری است، وقتی می شنوند می گویند حالا آقا یک چیزی فرمودند ولی حاج آقا، ولی نداریم که، یک دانه کلمه داریم چشم، بله برای متقاعد کردم مردم بله، ما می نشینیم می خوانیم، مطالعه می کنیم، شبهات را جواب می دهیم، مقام معظم رهبری در جمع دست اندر کاران همایش ملی جمعیت فرمودند گره ذهنی مردم باید باز شود، بچه هیأتی بچه ولایتمدار وقتی رهبرش می گوید باید این کار انجام بشود که دیگر گره ذهنی ندارد، کدام گره ذهنی؟ گره ذهنی من با حکم ولی ام باز شد، مالک برگرد، چشم، گرهی ندارم، عباسم برو آب بیاور، چشم، گرهی ندارم، حسین جان من می توانم بجنگم ها، نه عباسم، آب بیاور، علی جان صبر کن، حتی اگر به ناموست تعدی شد، چشم یا رسول الله، چرا ندارد، یا رسول الله من فاتح خیبر هستم، در خیبر سپر مبارزه من بود، نه نداریم این حرفها را، چشم، انسان ولایتمدار با حکم ولی اش هیچ گرهی در ذهنش نیست، اما، این نکته را داشته باشید، من گلایه ام را می خواهم ادامه بدهم، فقط خیلی خیلی شانس آوردید که وقتم کم است، البته این را هم بگویم آن حرف ابتدایی ام را هم داشته باشید که این یک درد دل است، یک سخنرانی نیست، نمی خواهم بگویم همه تان اینجوری هستید، هیچکدامتان هم اینجوری نیستید، حرف من را به آن بچه حزب اللهی هایی برسانید که سه سال است آقا این حرف را زدند ولی هیچ اتفاقی در زندگی شان نیفتاده است، که امیدوارم یک نفر در این جمع اینگونه نباشد، آقا فرمودند سن ازدواج یکی از دلایل کاهش جمعیت است، آقایان یک چیزی ایشان در آن جلسه گفتند که من هر چقدر رصد می کنم می بینم کسی روی این کار نکرد، ایشان فرمودند سن ازدواج را بیاورید پایین، فرمودند مگر یک جوان هفده ساله، هجده ساله نوزده ساله نیاز به اطفاء غریزه جنسی ندارد؟ سن ازدواج را ببینید، ایشان چجوری دارند به آن نگاه می کنند، من ولایتمدار باید چکار کنم؟ من باید بگویم آقا مگر بچه هجده ساله وقت زن گرفتن است؟ من اینجوری باید عمل کنم یا نه بگویم تو ولی من هستی، من یک چشم می گویم، حالا می روم موانعی که موجود است در سر راه ازدواج اینها همانجور که تو امر کردی می شناسم و برطرف می کنم، ولایتمداری یعنی این، یکی از چیزهایی که ایشان به شدت رویش اصرار دارند ساده گرفتن ازدواج است، آن ساده گرفتنی که ایشان می گویند خیلی از بچه های حزب اللهی به آن توجه نمی کنند، چشم تو گفتم ساده بگیر من ساده می گیرم، ایشان حتی در بعضی از بیاناتشان می گویند در مقابل پدر مادرهایتان برای تجمل گرایی بایستید، چشم، حرف تو بر حرف پدر و مادر من ترجیح دارد، اصلاً ولی یعنی همین، اما آن گلایه اصلی من این است آقایان، ما بچه هیأتی ها، ما بچه مذهبی ها بینمان دارد یک اتفاق بد می افتد، من وظیفه دارم حتی اگر بعضی ها ناراحت شوند این را بگویم، ما یک کارهایی را داریم در زندگیمان انجام

می دهیم، در هیأت‌مان یک کارهایی را داریم انجام می دهیم، نگاه می کنیم ببینیم در میانه صحبت‌های مقام معظم رهبری کدام حرف است که حرکت ما را تأیید می کند، آن را می آید برجسته می کنیم، تابلو می کنیم در هیأت‌مان می زنیم، این درست است یا نه باید راه برعکس شود؟ ما برویم ببینیم ایشان به چه کاری دعوت کردند، تأکید کردند که روی زمین مانده این را برداریم، این ولایتمدار حقیقی است، آن که هنری نکرده است، این یک برنامه ای را در هیأتش گذاشته، دوست دارد، اعضای هیأت، هیأت امنای تأیید کردند، حالا در تبلیغاتش یکی را موظف می کند برو بین صحبت‌های امام و آقا یک چیزی را پیدا کن درباره این مسأله، این شد حرکت؟ این راحت تری کاری است که ما داریم می کنیم، این کجا کمک کردن به ولی فقیه است؟ اگر من ابتدای جلسه گفتم با تمام سلولهای بدنم معتقد هستم که هیأت خط مقدم جبهه فرهنگی و هیچ نهادی، هیچ نهادی، این را که دارم می گویم با کار کردن با اکثر نهادهای فرهنگی کشور دارم به شما می گویم، هیچ نهادی حتی رادیو و تلویزیون به اندازه هیأت نمی تواند در خط مقدم جبهه فرهنگی برای اصلاح فرهنگ جامعه کار کند، با تمام وجود به آن معتقد هستم، اما این وضعیت موجود به نظر این قابلیت را در این اندازه ندارد، هیأت‌های منفعل نمی توانند هیأت‌های تأثیرگذار باشند، باید از این حالت بیرون بیایند، محور هیأت‌داری باید حرف‌های مقام معظم رهبری باشد، اگر ما قبول داریم که خط مقدم جبهه فرهنگی است، اما من توصیه پایانی ام با توجه به اینکه فرصتم تمام شده است به شما این است، دوستان بنشینید هم فکری بکنید، دل به مجلس خوش نکنید، دل به دولت خوش نکنید، دل به صدا و سیما خوش نکنید، اینها را با اطلاع دارم خدمتتان می گویم، فرصت بود یک خورده درد دل می کردم درباره ... من روی بعضی از نهادها حساب ویژه باز کردم، رایزنی کردیم فهمیدم که روی این نهادهایی که به ظاهر خیلی هم ارزشی هستند نمی شود یک ذره حساب باز کرد، اگر مستقیم این رایزنی انجام نشده بود، اگر دیگران رایزنی کرده بودند اینقدر سفت و سخت نمی گفتم، به عنوان کسی که الان آرام آرام، قبلاً من را به عنوان خانواده و ازدواج می شناختند، قبلش به عنوان شهید مطهری می شناختند، الان تا مرا می بینند جایی جمعیتی چیزی هست حالا برنامه تلویزیون باشد، سخنرانی باشد یاد من می افتند، به عنوان کسی که دارد کار می کند در این فضا، از مسئولین رده بالا صحبت کرده تا مردم خدمتتان عرض می کنم، روز جمعه است روز متعلق به امام زمان علیه السلام است، آقایان اگر خود ماها، بچه های هیأتی، بچه هایی که معتقدند کشور ایران باید به عنوان بزرگترین کشور شیعی باقی بماند، آقایان بچه هیأتی ها، چهل پنجاه سال آینده ما دیگر بزرگترین کشور شیعی دنیا نیستیم، حسین حسین گوها، سی چهل سال، پنجاه سال، شصت سال آینده ما دیگر اینقدر حسین حسین گو نداریم، فاطمیه ای ها، این فاطمیه که دارید سینه می زنید معلوم نیست در فاطمیه ای که شما سنتان رسیده به شصت سال اینقدر سینه زن حضرت زهرا سلام الله علیها داشته باشید، این را بنده با اطلاعات دقیق خدمتتان عرض می کنم، و اگر بچه هیأت‌های ولایتمدار، بچه حزب اللهی ها نخواهند درباره این مسأله فکر کنند و ترویج کنند در فضاهایی مثل فضای هیأت مطمئن باشید با این

تشویقی هایی که مجلس تصویب کرده، شورای عالی انقلاب فرهنگی تصویب کرده مطمئن باشید ما در عرض این چند سال باقی مانده نمی توانیم مشکلمان را حل کنیم، و همین قدر به شما بگویم ما چیزی در حدود پانزده تا بیست سال فرصت داریم بحران جمعیت را کنترل کنیم، فقط پانزده تا بیست سال، بعدش دیگر تمام است کار ایران، این آن قصه ای است که تن آقا را لرزاند است، من از همه دوستان خواهش می کنم، هیأت های برگزیده هستید، فکر بکنید در هیأت امنایتان از سخنرانهایتان که دعوت می کنید آقا موظف کردند اهل منبر را درباره این حرف بزنند، من از اهل منبر گلایه دارم، گفتند شما شنیدید، گوش ندادند، وقتی حاج آقای رفیعی در بیت سخنرانی داشتند آمدند پایین حضرت آقا به ایشان فرمودند آقای رفیعی به دوستان بگویید جوانها را تشویق کنند به فرزند آوری بیشتر، منبری هایتان را موظف کنید، منبری که در فاطمیه، در محرم یک شبش را، نیم ساعت، چهل دقیقه در جلسه خصوصی، عمومی در این باره حرف نزنند وظیفه ای را که ولی فقیه به عهده اش گذاشته را عمل نکرده است، موظف کنید، سخت است می دانم، مردم گلایه می کنند، شکوه می کنند، من چند جمعه است در حرم سخنرانی دارم، جمعه شبها، امشب هم سخنرانی دارم، مردم می آیند گلایه می کنند این حرفها چیست که می زنی، وضع مملکت را مگر نمی بینی، همینجاست که آن امتحان دارد خودش را نشان می دهد، مردم وقتی بحث جمعیت را از شما منبری ها می شنوند دیگر به به و چه چه نمی کنند، گلایه می کنند، اعتراض می کنند، تو شکمت سیر است، دلت خوش است، نمی فهمی، وضعیت جامعه را درک نمی کنی، اینجاست که معلوم می شود حسینی کیست، حرفش را می زند به او سنگ می زنند، اینجا معلوم می شود، گرچه مردم ما اینقدر فهیم هستند که وقتی با استدلال با آنها صحبت می کنی آرام آرام می پذیرند و من این تجربه را هم در رادیو داشتم و هم در تلویزیون داشتم، با آن هجوم وسیع مخاطب، خیلی حرف داشتم دیگر اذان شد، سه چهار دقیقه هم از وقتمان گذشت، گلایه من را به مداحان برسانید، گلایه من را به اهل منبر برسانید، بگویید یک بنده خدایی گفت که حرف رهبرتان را نگذارید روی زمین بماند، و آن ذکری که خیلی هایتان آخر مداحی می گویند ابالفضل علمدار خامنه ای نگهدار آقای ما دارد الان اینقدر حرص این مسأله را می خورد که اگر به خاطر این حرص یک ثانیه خدای نکرده از عمرش کم بشود همه ما در مقابل او مسئول هستیم، خدا انشاءالله همه مان را کمک کند ولایتمدار حقیقی باشیم به برکت صلوات بلند بر محمد و آل محمد. اللهم صل علی محمد و آل محمد.